



نصر کارام

مبارزه با افسانه ها!

● انقلاب فرهنگی یا خانه تکانی شرقی
● مبارزه با افسانه برتری نژاد های غربی

در بحث گذشته باین نتیجه رسیدیم که :

کشورهای شرقی در این گذرگاه تاریخی امروز ، بر ضرورت راهی عینی قرار گرفتند و پتانسیل باور و نوع زندگی که بهتر از باور و دست بردارند ، و پیاختیاری دست با انقلاب و تحول همه جایهای بدن .

و برآوردیم این انقلاب که در راه نوسازی تمام سازمانهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی صورت میگیرد باید اینکه **انقلاب ریشه دار فرهنگی** آغاز شود .

اما ما تصور که گذشته فرهنگ، تعمیم محدود بر نامهای آموش ، بلکه بیمن و بیج کلیه است که شامل کلیه سازمانهای فکری و عقیدهای جمعیت های اجتماع ، و همه دستگاههای تبلیغاتی و ادبیات بوده مردم و رسوم و آداب میگردد .

این تحولی که گوی در فرهنگ که باید تحت بر نامهای وسیعی صورت پذیرد و ویژگیهای از آن در بحث گذشته اشاره شد) بیشتر بیرون ریختن افکار و عادات و آداب و عتراضات که از طرف غربیها به منظور استعمار مساوات شرق از طرف مختلف دارند کشورها شده ، و با اگر باین منظور نبوده عملاین اثر نداشته است .

و به تعبیر دیگر : برای نجات شرق و ایجاد یک تحول اساسی قبل از هر چیز باید خانه تکانی فکری لازم است با کلمات و آلودگیهایی که غرب در طی چندین قرن با وسایل گوناگون در خانه افکار عمیق شرق جای داده و متأسفانه حتی آن بر اثر نبودن درو دروازه و کنترل صحیح بسیار پا داشت ، بیرون ریخته و برای آینده نیز باین وضع غلط پایان داده شود .

رسانش معلوم نیست چرا ما گاهی در برابر یک مسئله حساسیت زیاد نشان میدهیم و در حالی که در برابر مسائلی که بدجات از آن با اهمیت تر است هیچگونه حساسیتی نداریم .

ملازیم ای و در دیگر بیکانه و ساریش بکف و خود همه گو نه موارد غناسانی و گذر نامه و ... میخواهیم انبارهای ناچندان بر روی افکار بیکانه باز است که خوب بود ، مفید و زیان بخش حتی افکار و نقشه هایی که برای اسباب و بر دیگر ما طرح شده بدون هیچگونه قید و بندی وارد محیط ما میشود و ابتدا احساس ناز احمس هم نمیکشیم !
نمونه ای از این انقلاب فرهنگی ، اخیراً در کشور پهنای چین اجرا گردید که اگر چه خالی از ایرادات نبود اما از حیث موقیبت آموز بود .

درست است که ما با چنینها از حیثات گوناگون ، از نظر عقیده و از حیثات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و تاریخی اختلاف داریم ولی در یک مسئله مشترک هستیم و آن اینکه **میخواهیم استقلال و امیالت خود را حفظ کنیم .**

آنهاست که دهنده افکار و آداب بیکانه بکشورشان نفوذ کرده ، و مانند موربانان پاره های اجتماع آنها را میخورند و پیاخواستند و بیکباره همه آنها را بدور ریختند . منظور آنها از انقلاب فرهنگی نیز چیزی جز این نبود .

گر چه نظریات غربی باین جنبش را صورت دیگری غیر از آنچه ما میست واقعی آن بود ، بلکه ساختند و طولی شاخ و دمی از آن درست کردند که با حقیقت آن بسیار فرق داشت . ولی ما تصور که کنیم هدف آنها از انقلاب فرهنگی همان میاور ، با تمام مظاهر بیکانه بر مبنای بود .

انتباه نشود هرگز منظور ما این نیست که آن طرف انقلاب فرهنگی جنبش برای ماقابل انقلابی است . بلکه منظور این است که هر ملتی بتواند امیالت و استقلال معنوی و مادی خود را از دست نگذارد و بدون توسل با عبادت انقلاب فکری و فرهنگی قادر بر آن نخواهد بود .

اکنون باید دید برای تکمیل این مبارزه فرهنگی چه باید کرد ؟

مطالعات فکری و ادبیات از استوای اساس این مبارزه ؛ **مبارزه با یک سلسله افسانه هاست** که همچون زنجیر سرگرمی بردست و پای مردم شرق گذارده شده و آنها را از فعالیت های ثمر بخش مأیوس ساخته است .

این افسانه ها عبارتند از :

۱ - افسانه نژاد برتر ! - یکی از این افسانه های دروغین که در گذشته هم تار و معشری بان شد افسانه برتری نژادهای غربی و تفوق آنها در عوش و استعداد و کثرت بر ملل شرق است که ساخته و پرداخته نویسندگان خیالیات غربی می باشد .

تنها همینطور بود که با پیش کشیدن افسانه نژاد برتر حیثاتی را بجاک و خون کشید بلکه تاریخ بیامیگوید مفتاح پیش از ظهور **فاشیسم و نازیسم** نویسندگان آمریکایی و انگلیسی

مدتی در این باره قلم فرسائی میگردند.

اگر یک روز بیشتر میگذشت - بدون سیاه وستان آلودگی زمین خاصش دارد و آمیخته شدن آن با خون سفید پوستان اروپا - باعث دور که کردن قاره اروپا و آلوده نمودن نژاد سفیدپای خون انسانهای پست میگردند ۱۲۵.

امروز نیز همین منطبق در قاره آمریکا بخصوص ایالات متحده تقریباً بصورت یک منطبق عمومی مورد قبول پیازدی ارتقاء مردم آنجاست تا آنجا که برای ترویج کردن ربحر منطبق سیاه پوستان که منطبق او همیشه مبارزه با شروع خشونت در پست آوردن حقوق سیاه پوستان بوده است جایزه تعیین میکنند.

پیازدی از جهانگردان و دانشجویان شرقی که یادها وارد میشوند خیلی زود به لقب «**لشتر چران موسیاء**» که یکی از القاب مرحمتی اروپائیان بااست آشنا میگردند.

موضوع «**حق توحش**»؛ هنوز در لیست حقوق کارشناسانی که به **پارهای از کشور**

های شرقی مسافرت میکنند متون مخصوص دارد که طبق آن برای کار کردن در اینگونه کشورهای علاوه بر حق بدی آب و هوا - و خراج آن کشور - ... مبالغ عمیم بتوان حق توحش میگردند؛ این یک واقعیت است. جغرافی و جغرافیا.

در حالی که این طردن فکر فایده نداشتن تاریخ از ادعای شرقی بسیار جدا باشد که امروز کشورها مشغول علم و تمدن جهانگردی و توحشها بطور تیره و حقیقت زنگی میگردند؛ امروز که انواع مصنوعات شرقی را در اروپا میفروشند و صنعتی نباشد.

و نه با مقدار زندهای که امروز در بیشتر است تطبیق میکند - زیرا تجربه نشان میدهد

که اگر مثلاً دانشجویان شرقی با دانشجویان غربی به شرایط مساوی تحصیل اشغال و زندگی در این جهان شرقی خیلی زودتر از آنکه بتوانند و غلبه کنند خود را آشکار ساخته - مقام شایسته خویش را احراز کنند. این عقب ماندگی که در پی تحصیل با مساوی بودن شرایط است که آنها را پیشتر استعماری دارد.

ما می بینیم بسیاری از ممالک شرقی پس از دهائی از جنگ استقلال خیلی زود سادج ترقی را پروده اند و تا سر حدی یکی از قدرتهای بزرگ جهان پیشرفته - حتی در مدت کوتاه و غیر قابل تصوری **یک قدرت بزرگ** انمی تشکیل داده اند.

ما می بینیم مهندسان و کارشناسان شرقی سرعت حاد مهندسان و کارشناسان خارجی را میگیرند در حالی که یک روز جهان تبلیغ میگردند که شرقیها حتی استعمار انجام کارهای بزرگ کارگر ساده اروپائی داده اند.

این اقتضای ترقی استعمار از ادعای غربی تنها در حقیقت برای درهم کوبیدن شخصیت شرقیها

افسرده خاطر نگرند و او تمسک داشته که تمام افراسیابکتابی در قلم باشند و اکنون که از بی-
عدالتی حکومت پیشین شکوهی گریسته و بیایای عربان را ندیده است تا حیران این خیره بسیار است خود
و رجال حکومتش با بی نواها صلاح دزدی کنند از این جهت بر ما فداوش نوشت من تصور
نمی کردم بود آن همایی شرکت جویی که در متمدنان دعوت شده اند ، ولی بی نوا بان محروم
مانده بلکه جدا کشیدند . خوب پنداست که علت نارضایتی امام (ع) از شرکت عثمان بن
حنیف در همایی اشرافی بخاطر وجود فداهای ایدین بوده است بلکه او از جور کشیدن و سفاک
دین مستندان رنج می برد .

و باز زمین حجت مطر حاید ، من که بنان جوین ولیاس کینه قناعت کردم امام از آن میترسم
که در دورترین نقاط مرزی کفورم در عجاج پایبانه کسانی باشند که با شکم گریسته بخوابند .
این صحیح نیست که تنها فکر خود و اطرافیانم و یا جدا گتر مردم پای تعجب باشم در مقاماریب است
دورترین نقطه های سردی کشور را حاصلا شود که من ششقه تریسی در نظر می گیرم در ششقه اصلاحی نیز
در نظر داشته باشد ، درست است که عجاج دینامه از کوفه دور است و سده ای بیچارگان آنجا بگوشد این
دولت نمیرسد ولی بقول امام (ع) ، در مقامار شاید همچون گوسفند پروری تها بفرک عاوقه خود
باشد و از فکر دیگران غافل ، نه ؛ او انسان است و امیر مؤمنان ...

(پاره ای ۱۲) و نمید ساختن آنها از نظر آفرین و تصرف و ترقی ، و در نتیجه عوارض آن
جاده استعمار ، اختراع شده و هر چه بود ، با نظر علمی و منطقی تدابیر
در ادایب فرهنگی با یکدیگر شد فکر را بجهت تولید و بارگاه موادک تاریخی گفته
و آثارهای زنده مربوط به هر عصر و هر عصر بود این انسانه را برای همه روشن ساخت و
ایات نبود که از اضمای شرقی و تعاقب و تاریخ گذشته ، و تاریخ معاصر استمداد همه گونه
فدالت علمی و صنعتی داشته و دارند و بهیچین میتوانست همه نیازمندیهای علمی و صنعتی خود -
را بدون دخالت و قیودت دیگران تأمین کنند و اینها را بهیچین قبل از دوران سلطه استعمار
نیکر دانست .

کشور های شرقی - آنطور که بیگانگان میگویند - تنها استمداد کشاورزی و
دامداری ندارند . بلکه یادداشتن همه گونه مواهب طبیعی و ذخائر انسانی استمداد صنعتی شدن
و بی نیاز شدن از صنایع دیگران را کاملاً ندارند .

آنها برای رسیدن باین هدف همه نفع های تواناد را اختیار دارند و هم منابع فراوان طبیعی
تنها یک شرط دارد آن اینکه این دایه های دلسوزتر از مادر است از آرها بر دارند و آنها را
بجای خود واگذارند تا به پیشرفت خود ادامه دهند (دلیله این بحث را در شماره آینده مطالعه
فرمائید) .